



LIDA Stories

lidastories.net

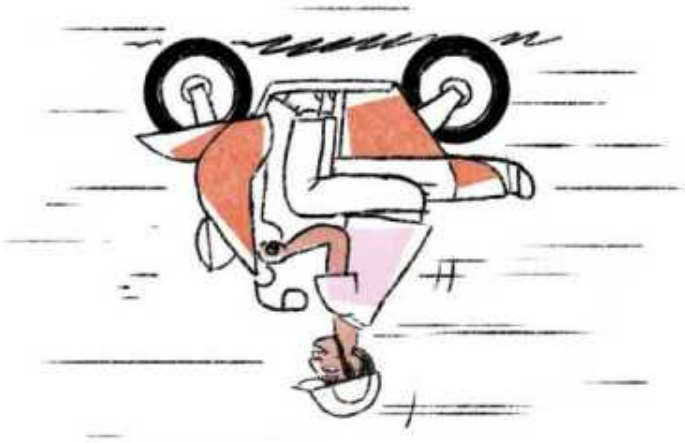
تصانف

✎ Espen Stranger-Johannessen
Aakane
Sam Saf



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0>

تصانف



✎ Espen Stranger-Johannessen
Aakane
Sam Saf
3
تصانف



گرلوس سوار یک اسکوتر همیشه. اون خیلی تند
میره.

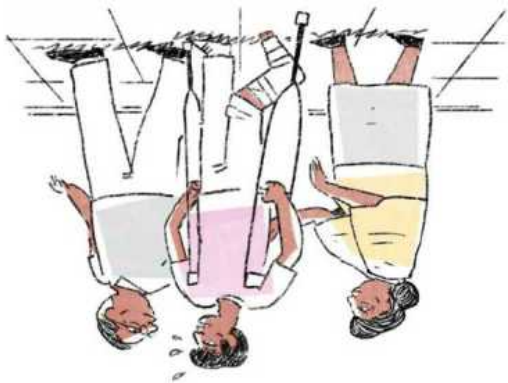
سواء كان في البيت أو في الشارع.



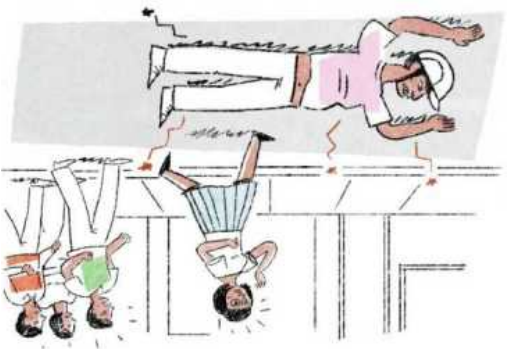


اون کنترل اسکوتر رو از دست میده و میخوره
زمین.

اونچه کارلوس رو در هشتاد و نه خونه به رسونن.
کارلوس از چوب زیر بغل استفاده می‌کنه.



چندتنه استیب متینته.
کارلوس بندخوری استیب متینته.



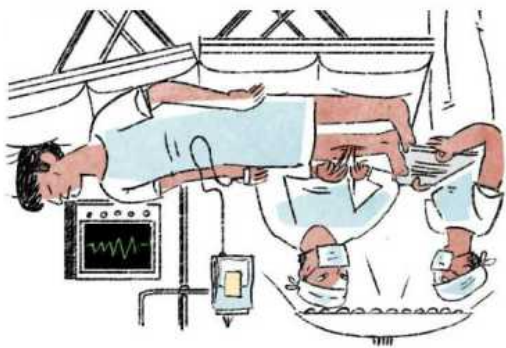


یه زن به آمبولانس زنگ میزنه. «اینجا تصادف شده. سریع باین!»



پدر و هدرش به ملاقاتش مین. اونجا ازش میپرسن که تصادف چطور اتفاق افتاد.

روش رگنریشن رو عمل میکنن.



مستقیم زود میرسه. آمبولانس جلی چلی



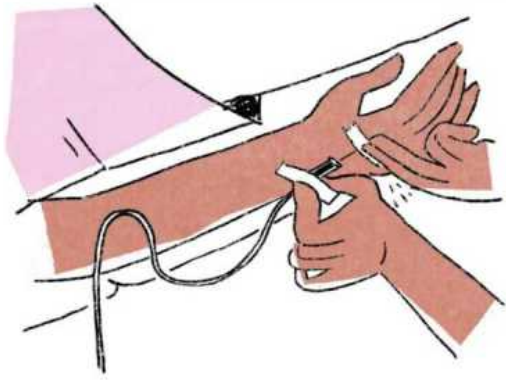


دوټا مرد گرلوس رو روی برانکرد میذارن.

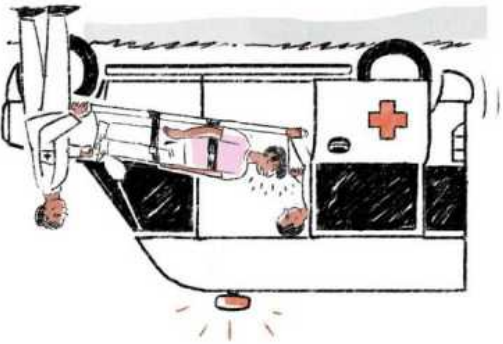


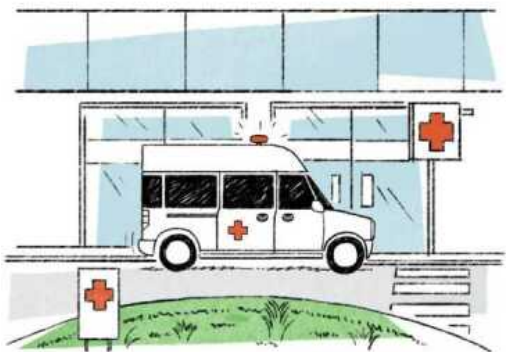
پی گرلوس خیلی درد می‌کنه و اون نگرانه.

• تکراره گیتس رسولس می کنه. اون به کارولس می گه.

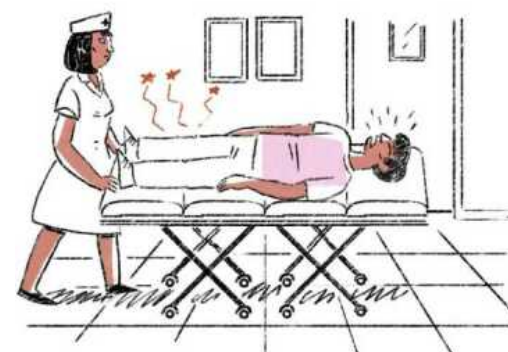


• اونچه کارولس رو توی آمبولانس میذارن. اونچه کارولس رو توی آمبولانس میذارن.





آمبولانس به طرف بیهوشستن می‌ره.



یه پرستار گریوس رو می‌یره توی بیهوشستن.